

# حفیظ الله امین رئیس جمهوری که جاسوس آمریکا در افغانستان شد

حفیظ الله امین در سال ۱۳۵۷ در افغانستان کودتا کرد و کمتر از یک سال پس از کودتا رئیس جمهور افغانستان شد. اما دوران ریاست جمهوری وی بیش از صد روز طول نکشید و کمونیست‌های افغانستان با کمک کابگ‌ب او را ترور کردند.

**رویداد ۲۴** علیرضا نجفی: «پس از کودتای دولتی و به قدرت رسیدن امین، خشونت و دهشت در کشور به اوج خود رسید. امین با دادن شعارهای ناسیونالیستی، پرگویی‌های بیهوده و سخنرانی‌های پوچ و میان تهی، کار را به برپایی یک رژیم خود کامه و دیکتاتور کشاند.» ولیاخفسکی/ طوفان در افغانستان

«هنگامی که بر پرده تلویزیون ظاهر می‌شد، برای یک لحظه قیافه و اطوار او بر بیننده تاثیر مثبت وارد می‌کرد، اما همین که لب به سخن می‌گشود معلوم می‌شد که گفتارش تقلیدی، حرکاتش ساختگی و روی هم رفته مردی خام و سطحی است و در اکثر موارد از درک معنی آن عاجز است. بیانات او را دیگران به اقتباس از آثار مارکسیستی تهیه می‌کردند و او با افزودن مقداری مبالغه و اغراق آن را به خورد شنوندگان می‌داد.» محمدصدق فرهنگ / افغانستان در پنج قرن اخیر

## افغانستان در دوره سلطنتی

افغانستان برای قرن‌ها نظام سلطنتی داشت. چهل سال با سلطنت محمدظاهر شاه کم‌بیش با آرامش گذشت. در میان دولتمردان افغانستان داوود خان پسر عموی ظاهرشاه سرشناس‌ترین بود. داوود در فرانسه تحصیل کرده بود و در دستگاه حکومت -که بیشتر خانوادگی اداره می‌شد تا آنکه سازوکاری شایسته‌سالارانه داشته باشد- پیشرفت کرد و در نهایت به نخست‌وزیری رسید و ده سال در این مقام ماند.

او می‌کوشید ادعای دولت افغانستان در مورد مناطق پشتون‌نشین پاکستان را زنده نگه دارد، به همین دلیل پاکستان مرزهایش را به روی افغانستان بست و فشار زیادی به این کشور آورد. در نتیجه افغانستان در دوره نخست‌وزیری او به شوروی نزدیک شد. پس از برکناری او، رابطه‌اش با ظاهرشاه تیره و تیره‌تر شد. طبق قانون اساسی جدیدی که وضع شد، اعضای خانواده سلطنتی دیگر اجازه نداشتند مناصب دولتی بگیرند.

ظاهرشاه در سال ۱۹۷۳ برای عمل جراحی چشم به ایتالیا رفته بود و داوودخان از این فرصت استفاده کرد و با کودتایی بدون خونریزی حکومت پادشاهی را ملغی اعلام کرده و خود رئیس جمهور افغانستان شد. محمد داوود خان پنج سال بر افغانستان حکومت کرد و دو برنامه متمرکز اقتصادی را پیش برد که به رشد پنجاه درصدی نیروی کار منجر شد.

## انقلاب کمونیستی ثور در افغانستان

ابتدا همه چیز از این حکایت داشت که افغانستان از این پس پیوند نزدیکتری با شوروی خواهد داشت. اما به زودی داوود خان به آمریکا و بزرگترین متحدش در منطقه، یعنی ایران محمدرضا شاه، نزدیک شد. رابطه داوود خان با حزب دموکراتیک خلق تیره شد و حزبی حکومتی برای خود تأسیس کرد و با فراخواندن «لویی جرگه» در ۱۳۵۶ حکومتی تک‌حزبی اعلام کرد؛ کاری که محمدرضا شاه چند سال پیش از آن با حزب رستاخیز در ایران انجام داده بود.

در نتیجه این اقدام حزب دموکراتیک خلق افغانستان ممنوع شد و اعضایش تحت فشار قرار گرفتند. نورمحمد تره‌کی، حفیظ‌الله امین و ببرک کارمل سه چهره شاخص حزب دموکراتیک خلق بودند. در اردیبهشت ۱۳۵۷ میر اکبر خیبر، یکی از رهبران کمونیست به قتل رسید. با آنکه معلوم نبود قاتل کیست کمونیست‌ها داوود خان را عامل این ترور می‌دانستند. در خاکسپاری خیبر نزاع بالا گرفت و داوود خان تصمیم گرفت سه رهبر حزب خلق را بازداشت کند، اما گروهی از کمونیست‌هایی که به ارتش نفوذ کرده بودند، در سال ۱۹۷۹ دست به کودتایی زدند و حکومت داوود خان را سرنگون کردند. این رخداد در تاریخ معاصر افغانستان به انقلاب ثور معروف است.



### حفيظ الله امين عامل اصلی انقلاب افغانستان

به گزارش رویداد ۲۴ به واسطه انقلاب ثور حکومت افغانستان به دست حزب دموکراتیک خلق افتاد و ایالات متحده و شوروی در افغانستان با یکدیگر رویارو شدند. عامل اصلی انقلاب ثور مرد مرموزی به نام **حفيظ الله امين** بود که از اعضای بنیانگذار و اصلی حزب نبود، اما در چندسال آخر منجر به انقلاب نفوذ گسترده‌ای در حزب پیدا کرده بود.

حفيظ الله امين در سال ۱۳۰۸ در یکی از روستاهای غرب کابل به دنیا آمد. پدرش رییس زندان کابل بود و به سمت دولت سلطنتی گرایش داشت و بسیاری از مخالفان سیاسی را در زندان شکنجه کرده و به قتل رسانده بود.

امین پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به کابل آمد و در دانشگاه تربیت معلم مشغول به تحصیل شد. سپس از دانشگاه کابل لیسانس گرفت و به شغل معلمی روی آورد. امین انسان خوش صحبت و جذابی بود قدی بلند داشت، خوش چهره، شانه‌های پهن، و روی هم رفته دارای هیكل متناسب و شمایل مطبوع بود. به تعبیر زندگی نامه‌نویس وی، «حرکات امین از اعتماد به نفس آمیخته با غرور و خود خواهی مفرط حکایت می‌کرد.» این خصلت‌ها باعث شدند امین در دوران معلمی خیلی زود پیشرفت کند و مدیر مدرسه شبانه روزی ابن سینا شود.

امین از همان ابتدا گرایش‌های نژادپرستانه داشت. محمد صدیق فرهنگ در کتاب «افغانستان در پنج قرن اخیر» می‌نویسد: «حفیظ الله امین در دبیرستان ابن‌سینا تعدادی از جوانان را جذب کرد و برای آن‌ها یک کلاس غیررسمی شبانه برگزار کرد و در آن نظریات سیاسی خود را بر مبنای عقیده برتری خواهی قومی تدریس می‌کرد.»

امین از دوره‌ای به بعد از اختلافات قومی افغانستان برای مقاصد سیاسی استفاده کرد و زمانی که به قدرت رسید علناً مشایخ و بزرگان قبایل مختلف را به سخره می‌گرفت و نوع گوییشان را تقلید می‌کرد تا حضار را بخنداند. همین اعمال سبک‌سرانه بود که چهره او را منفور کرد.

امین، اما به مدیریت یک مدرسه قانع نبود. وی در سال ۱۳۳۶ با استفاده از بورسیه دارالمعلمان به ایالات متحده رفت و پس از اخذ مدرک فوق لیسانس در زمینه تعلیم و تربیت به کابل بازگشت و در یک موسسه آموزشی آمریکایی مشغول به کار شد.

### **نفوذ حفیظ الله امین در حزب دموکراتیک خلق افغانستان**

در همین دوران بود که با آمریکایی‌ها روابط خوبی گرفت و بعدها که ظن جاسوسی‌اش برای آمریکا قوت گرفت، مخالفانش من جمله ببرک کارمل به این دوره از زندگی‌اش استناد زیادی می‌کردند.

امین در همین دوره با نورمحمد تره‌کی آشنا شد که وی را «لنین افغانستان» می‌نامند. تره‌کی از بنیانگذاران حزب دموکراتیک خلق در افغانستان بود و ایده‌های پیشرو و انقلابی داشت. این حزب چپ‌گرا از اتحاد دو شاخه تشکیل می‌شد. شاخه پرچم که خود را «حزب زحمتکشان افغانستان» می‌نامیدند و رهبری‌اش را تره‌کی بر عهده داشت و «شاخه خلق» که ببرک کارمل آن را رهبری می‌کرد و خود را حزب پیشاهنگ طبقه کارگر افغانستان می‌نامید.

حفیظ الله امین به واسطه آشنایی با تره‌کی به شاخه پرچم نزدیک شد، اما از همان ابتدا به صورت آشکاری به بلوک غرب تمایل داشت و با ایده‌های سوسیالیستی نیز بیگانه بود.

امین در سال ۱۳۴۱ دوباره به آمریکا رفت تا در مقطع دکتری مشغول به تحصیل شود، ولی در این سفر دوم بیشتر درگیر فعالیت‌های سیاسی شد و خیلی زود بدون اتمام تحصیلات به افغانستان بازگشت. وی ادعا می‌کرد که دولت موقت بورسیه او را قطع کرده که ادعایی دروغ بود.

حفیظ الله امین در دوران دانشجویی به ریاست انجمن دانشجویان افغانستانی در آمریکا رسید. به گفته خودش در همین زمان فعالیت‌های کمونیستی خود را آغاز کرد. اما این پژوهشگران و اعضای حزب دموکرات این ادعا را رد می‌کنند چرا که انجمن‌های مذکور مستقیماً از سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا بودجه خود را تأمین می‌کردند و در دوران جنگ طرد امکان نداشت دانشجویی چپ‌گرا به ریاست انجمن برسد و آزادانه و با پول دولت آمریکا مارکسیسم را تبلیغ کند.

کسانی که امین را از نزدیک می‌شناختند ادعا می‌کنند امین در زمینه فلسفه سیاسی و مارکسیسم و تمام زمینه‌های تئوریک مربوط به سوسیالیسم کم‌سواد بود و اساساً توان فعالیت مارکسیستی در ایالات متحده را نداشته است. بسیاری بر این باورند که امین در دوران دانشجویی به همکاری با سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا پرداخته و در بازگشت خود را مارکسیست نشان داده تا در حزب دموکرات نفوذ کند.

امین پس از بازگشت در سال ۱۳۴۳ برای شرکت در انتخابات شورای ملی کاندیدا شد. هنگامی که او به کابل رسید از تاسیس حزب دموکراتیک خلق چند ماهی بیشتر نگذشته بود که تقاضای عضویت در حزب دموکراتیک خلق را کرد که به عنوان یک عضو عادی به عضویت حزب در آمد. او در انتخابات پارلمانی هم از حوزه پغمان خود را کاندید کرد، ولی شکست خورد.

هر چند که وی از ورود به پارلمان بازماند، اما پرشورتر از گذشته به فعالیت‌های سیاسی خود در حزب دموکراتیک خلق ادامه داد و توانست که توجه نورمحمد تره‌کی که رهبری حزب را بر عهده داشت، به خود جلب کند و با کمک وی به سرعت در حزب پیشرفت کرد.

او در سال ۱۳۴۵ خورشیدی با پیشنهاد تره‌کی به عنوان عضو کمیته مرکزی حزب تعیین شد و سه سال بعد برای بار دوم از حوزه پغمان خود را کاندیدا کرد و این بار توانست که به مجلس نمایندگان افغانستان راه پیدا کند.

ببرک کارمل با عضویت امین در حزب مخالف بود و امین در رقابت بین دو شاخه خلق و پرچم طرف تره‌کی را گرفت. با انشعاب این دو شاخه نیز امین مسئول شاخه نظامی پرچم شد و خود را مشغول کار سازمانی در ارتش افغانستان کرد.

امین به جذب سربازان و افسران ارتش افغانستان می‌پرداخت و در این راه از تعصبات قومی استفاده می‌کرد. وی بسیاری از پشتون‌های روستایی مشغول در ارتش را جذب کرد و در سال ۱۳۵۵ اعلام کرد که می‌تواند کودتا کند و حکومت داوودخان را ساقط کند.

چند روز قبل از کودتای ۷ ثور در سال ۱۳۵۷ خورشیدی، میراکبر خیبر یکی از سران جناح پرچم در کابل به قتل رسید. خاکسپاری خیبر به یک نمایش بزرگ علیه دولت تبدیل شد. سران حزب دموکراتیک اعلام کردند که انتقام خون خیبر را خواهند گرفت. هر چند که برخی بر این باورند که قتل میراکبر خبر به دستور خود حفیظ الله امین بوده است.

این ادعا توسط بسیاری از اعضای حزب تایید شده و شکی نیست که امین بیشترین سود را از این قتل برد. داوود خان پس از شعارهای تندى که در تشییع جنازه علیه وی داده شده بود دستور دستگیری اعضای بلند پایه حزب را داد. امین، اما با نفوذی که داشت بازداشت خود را به تاخیر انداخت و در این مدت به افسران تحت نفوذ خود دستور کودتا را داد.



### قتل نورمحمد ترهکی توسط حفیظ الله امین

هیچکدام از اعضای بلندپایه حزب، به ویژه بیرک کارمل با انقلاب موافق نبودند و این اقدام عملی کاملاً خودسرانه از جانب امین بود. امین دستور کودتا را صادر کرد و خود به رادیو رفت و اعلام کرد دولت داوود سقوط کرده است.

کاخ ریاست جمهوری با هواپیماهای ارتش (و شاید شوروی) بمباران شد و داوود خان با کل خانواده و همراهانش در اردیبهشت ۵۸ به دست کودتاگران تیرباران شدند و در محل نامعلومی دفن شدند. گورهای جمعی آن‌ها در ۲۰۰۹ پیدا شد.

با انقلاب ثور حزب قدرت را در دست گرفت و تره‌کی رئیس‌جمهور افغانستان شد. امین نیز «سردار دلیر» نام گرفت و به سمت وزیر خارجه برگزیده شد. وی ببرک کارمل و جبهه خلق را نیز از قدرت حذف کرد. با این حال امین به این مقدار راضی نبود و می‌خواست جای تره‌کی را بگیرد.

کا.گ.ب اسنادی یافته بود که همکاری امین با سازمان اطلاعات آمریکا را تایید می‌کرد و به همین دلیل برژنف در دیداری که در سال ۱۳۵۸ با تره‌کی داشت در این مورد به وی هشدار داد. روز بعد تره‌کی در دیدار با اعضای حزب دموکراتیک خلق در مسکو سخنانی ایراد کرد و گفت: «در حزب ما یک دانه سرطان است که باید کشیده شود، علاج شود. وقتی که سرطان در وجود باشد، وجود درد دارد. من این دانه سرطان را تشخیص کرده‌ام و حزب را علاج می‌کنم.»

اما سخنان تره‌کی خیلی زود به گوش امین رسید و از حوادثی که در انتظار او بود آگاه شد. در ملاقاتی که بعد از بازگشت تره‌کی از مسکو میان او تره‌کی صورت گرفت وی خواست که تا چهار نفر از یارانش را از قدرت کنار بگذارد، اما تره‌کی با این کار مخالفت کرد. همین عوامل باعث شد که امین به فکر کودتایی دیگر بیفتد.

امین نقشه خود را با تعدادی از نظامیان مطرح کرد و یک هفته پس از سفر تره‌کی با افراد مسلح به کاخ وی رفت و تره‌کی و تمام محافظانش را به قتل رساند. همچنین ترتیبی داد تا در روزنامه‌ها بنویسند تره‌کی بر اثر بیماری درگذشته است.

امین با سفیر آمریکا دیدار کرد و علناً تمایل خود به چرخش دولت انقلابی به بلوک غرب را اعلام کرد. آچر بلود سفیر ایالات متحده در گزارشی به تاریخ ۲۸ اکتبر به واشنگتن از جزئیات ملاقاتش با حفیظ الله امین گزارش داده است. بلود نوشته که «در صبح روز ۲۷ اکتبر ۴۰ دقیقه با حفیظ الله امین ملاقات داشته است.» امین در این ملاقات برای بهبود روابط با آمریکا صحبت کرد، اما «گام‌های خاصی» نیز از طرف آمریکا پیشنهاد نکرد و تقاضای «مساعدت‌های» آمریکا - هرچند اندک باشد - را داشت.

حفیظ الله امین با این اقدامات در شهریورماه سال ۱۳۵۸ به قدرت رسید. وی دست به تصفیه مخالفان خود زد و تمام کشتارهای گذشته را که خود مسبب آن بود به گردن تره‌کی انداخت.

امین پوپولیستی تمام‌عیار بود. وی سخنرانی‌های فراوانی می‌کرد و پس از رسیدن به قدرت در رادیو کابل چنین جملاتی گفت: «خلق زحمتکش ما با خنثی ساختن هر توطئه امپریالیسم و سرکوب کردن هر تجاوز دشمنان انقلاب و از بین بردن هر عنصر منافق تکامل مطلوب انقلاب، به پیش می‌روند.»

این سخنان در شرایطی زده می‌شد که امین در پی مساعدت‌های آمریکا بود و به صورت رسمی با سی. آی. ای همکاری می‌کرد. امین علاوه بر آمریکا با پاکستان نیز که اصلی‌ترین حامی مجاهدین افغان بود ارتباط گرفت. وی شخصاً با ژنرال ضیاءالحق تماس گرفت و همچنین به گلبدین حکمتیار پیشنهاد

حکومت ائتلافی داد. امین با تمام دشمنان حزب دموکرات رابطه گرفته بود و منتقدانش در حزب خلق نیز به قتل تیره‌کی توسط وی پی برده بودند. در نتیجه جو عمومی علیه وی شد و بسیاری از مردم افغانستان دیگر امین را قاتل و جاسوس بیگانگان می‌دانستند.

اکنون دیگر اتحاد جماهیر شوروی مطمئن شده بود که امین از سوی سی.آی.ای ترغیب و حمایت شده که انقلاب در افغانستان را به نفع بلوک غرب تمام کند و افغانستان را تبدیل به یکی از پایگاه‌های آمریکا کند. این امر باعث شد که کا.گ.ب درخواست کمونیست‌های افغانستان برای کمک را بپذیرد و نقشه حذف امین را عملی کند.

به گزارش رویداد ۲۴ در ششم دی ماه سال ۱۳۵۸ امین میهمانی مفصلی در قصر خود ترتیب داده بود و آشپز قصر یکی از ماموران کا.گ.ب که به وی دستور داده شده بود امین را مسموم کند. امین با غذای مسموم ابتدا گیج شد و سپس نیروهای کا.گ.ب به کاخ وی یورش بردند و وی را با سلاح اتوماتیک کشتند.

همسر حفیظ الله امین جزئیات کشته شدن همسرش را چنین شرح داده است: «تا وقتی که مهمات داشتیم، هیچ کس نتوانست وارد کاخ شود. عده زیادی از مهاجمین کشته شدند. ما نمی‌دانستیم که روس‌ها هستند. وقتی مهمات ما تمام شد، آن‌ها داخل کاخ شدند. به محض داخل شدن با ماشین‌دار یا مسلسل به چهار طرف شلیک کردند. در اثر این شلیک‌ها به دخترانم ملالی و گلالی و پسرم خوازک گلوله اصابت کرد.»

سربازان شوروی جسد امین را در نزدیکی کاخ دفن کردند و خانواده‌اش را به زندان مرکزی بردند. امین در همان شب قرار بود برای مردم از طریق رادیو سخنرانی کند. ببرک کارمل که مخالف سرسخت امین بود به جای امین سخنرانی کرد و سخنان خود را چنین آغاز کرد: «سقوط مرگبار و واژگون شدن رژیم فاشیستی امین، این جاسوس سفاک امپریالیسم و دیکتاتور جبار و عوام فریب را به مردم افغانستان تبریک می‌گوییم.»

امین حدود صد روز حکومت کرد و در این صد روز تبدیل به یکی از منفورترین دولت‌مردان تاریخ افغانستان شد. اما جانشین وی ببرک کارمل، حدود شش سال حکومت کرد و بسیاری وی را محبوب‌ترین حاکم افغانستان مدرن می‌دانند.

سقوط امین به نفع مردم افغانستان بود و بیش از هر چیزی به نفع چپ‌گرایان افغانستانی تمام شد. برنامه‌های اصلاحی و مدرنیستی حزب با قوت کامل پس از امین دنبال شد و شاخه خلق حزب دموکرات افغانستان قدرت را در دست گرفت و مشی پوپولیستی امین را از سیاست و دولت افغانستان کنار زد. ایالات متحده نیز با دیدن اینکه مهمترین مهره‌اش در افغانستان سقوط کرده، با طرح



برژینسکی به تجهیز مجاهدین اسلام‌گرا مشغول شد تا به هر قیمتی که شده با شکوفایی سوسیالیسم در افغانستان مقابله کند.

منابع:

افغانستان در پنج قرن اخیر / محمدصدیق فرهنگ / نشر عرفان  
توفان در افغانیتان / الکساندر لیاخفسکی / ترجمه عزیز آریافر / نشر مسعود  
تاریخ معاصر افغانستان، از احمد شاه درانی تا سقوط کمونیست‌ها / علی اکبر فیاض / نشر کابل